

دہ تختہ

از

معرفت قصص

اصغر طاہر زادہ

طاهرزاده، اصغر، ۱۳۳۰

ده نکته از معرفت النفس / اصغر طاهرزاده - اصفهان: لب المیزان، ۱۳۸۴

ISBN 964 - 94734 - 9 - 1

ص ۶۴

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

۱. نفس ۲. خودشناسی - جنبه‌های مذهبی - اسلام ۳. انسان (اسلام)

۴. خداشناسی الف: عنوان ب: عنوان: اسفار اربعه. شرح

۱۸۹/۱ BBR ۵۵ / ۷ط ۷

۸۴۹۰ - ۸۴ م

کتابخانه ملی ایران

شابک : ۹۶۴ - ۹۴۷۳۴ - ۹ - ۱ - ۱

عنوان: ده نکته از معرفت النفس

تألیف : اصغر طاهرزاده

به سفارش: گروه فرهنگی المیزان

ناشر: انتشارات لب المیزان

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۴

طرح جلد: محمد فاطمی پور

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای گروه فرهنگی المیزان محفوظ است

مراکز پخش: ۱- گروه فرهنگی المیزان تلفن: ۷۷۷۸۲۷۵ - ۴۱۱۰

۲- دفتر انتشارات لب المیزان - فاکس ۲۲۲۰۰۲۱ همراه ۰۹۱۳۱۰۴۸۵۸۲

اصفهان - خیابان سپه - خیابان حکیم - مقابل مسجد حکیم - دفتر انتشارات

فهرست مطالب

- مقدمه: ۷
- نکته اول: حقیقت انسان، ماوراء بدن ۱۵
- نکته دوم: حضور نفس در شرایط فوق زمان و مکان ۲۰
- نکته سوم: تن، محل ظهور حالات من ۲۶
- نکته چهارم: انسان، بدون بدن زنده‌تر است ۲۸
- نکته پنجم: «تن»، ابزار کمال «من» ۳۰
- نکته ششم: حضور «کامل» نفس ۳۵
- نکته هفتم: حضور «تمام» نفس ۳۷
- نکته هشتم: چگونگی حضور مجردات در عالم ۴۳
- نکته نهم: وحدت نفس، نمودی از وحدت حق ۴۶
- نکته دهم: برزخ و چگونگی عذاب قبر ۵۲
- وسعت روح انسانی ۵۶

باسمه تعالی

مقدمه

جایگاه معرفت نفس در ارتباط با واقعیت

۱- وقتی پذیرفتیم که گوش‌ها و زبان‌ها منتظر گفت تازه‌ای است - اما نه تازه‌ای بریده از حکمت گذشته - روش «معرفت هستی از طریق معرفت نفس» یکی از آن زبان‌هاست که می‌خواهد هرکس به خودش نظر کند ولی خودی عاری از همه چیز، حتی عاری از بدن و زمان و مکان، تا جایی که انسان از سر حیرت و تعجب بگوید:

وہ، چه بیرنگ و بی‌نشان که منم کی بدانم مرا چنان که منم
و در این حال از اصالت دادن به «ماهیات» عبور کرده و با «وجود» روبه‌رو می‌شود، یعنی متوجه می‌شود که خودش فقط هست، بدون آنکه نظر بر چیستی یا ماهیت خود داشته باشد و این اولین قدم ارتباط با معلوم زنده است و نه معلوم مرده.^۱

۲- وقتی متوجه شدیم با حرف‌های عادی و تکراری می‌توان چرخ جهان را به گردش درآورد و گوش مستمعان را پر کرد بدون آنکه بتوان جهان و عالم انسان‌ها را تغییر داد، و از آن طرف نیز وقتی پذیرفتیم برای تغییر عالم انسان‌ها، باید حرفی به

۱- برای تبیین این موضوع به نوشتار «آنگاه که فعالیت‌های فرهنگی بوج می‌شود» رجوع فرمایید.

میان باشد که وجه پایدار آنها را جهت دهد، شاید بتوان به مباحث معرفت نفس در این راستا امیدوار بود.

۳- روش معرفت نفس؛ روشی است که معتقد است معرفت «نفس انسان» یعنی «جهان صغیر»، راه وصول به معرفت «جهان کبیر» است و لذا از این منظر به انسان می‌نگرد تا به معرفت حق نایل آید، ولی نه به خدای درون ذهن‌ها که با علم حصولی از وجود او آگاهی می‌یابند.

۴- وقتی درست در خود سیر کنیم، آری وقتی درست در خود سیر کنیم، خود را در ریچه ارباط با خدا می‌یابیم و معنی «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ، فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» تحقق می‌یابد. پس در این راه هرچیزی که مانع شناخت تمامی حقیقت ماست و مانع درست نگریستن بر خودمان است، باید کنار گذاشته شود.

۵- انسان به واقع «حیوان ناطق» نیست، بلکه محل ظهور همه اسماء الهی است. و قلبش محلی است که حق در آن محل، خود را به نمایش می‌گذارد.^۲ و شریعت در همه ابعاد خود متذکر این حقیقت درونی انسان است تا انسان‌ها از طریق شریعت الهی، آنچه را مانع ارتباط صحیح با خود راستین آنها است از میان بردارند. پس یک رابطه دوطرفی بین «خودشناسی و فهم شریعت» و بین «عمل به شریعت و خودشناسی» وجود دارد. مهم آن است که از طریق معرفت نفس؛ منظر خود را به شریعت تصحیح کنیم تا انتظاراتمان از آن برآورده شود.

۲- «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا (۳۲/بقره)»

۶- معرفت نفس یا «خودآگاهی حضوری» اولین قدم است تا «خود» را از «ناخودِ خود» جدا کنیم و «ناخودِ خود» را خود نپنداریم که این بزرگترین بلایی است که بر بشر امروز وارد شده، به طوری که دیگر هیچ رابطه‌ای با خود ندارد.

۷- معرفت نفس؛ معرفتی است جهت‌دار که به شناختِ حقیقتِ جامعِ واحدی به نام «نفس مجرد انسانی» منجر می‌شود و راه رسیدن به «حقیقت جامعِ احدی» یعنی خداوند را باز می‌کند. ولی زنده‌ار که باید متوجه بود این معرفت، غیر از علم‌هایی است که هدفشان جمع اطلاعات است و انسان در چنین علمی تا بی‌نهایت کسب علم می‌کند، ولی از حقیقت خود و حقیقت عالم غافل است. یعنی از همه چیز غافل است، چنانچه امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» می‌فرماید: «كَيْفًا يَعْرِفُ غَيْرَهُ مَنْ يَجْهَلُ نَفْسَهُ»^۲ یعنی چگونه انسان می‌تواند غیر خود را بشناسد در حالی که به خودش جاهل است.

وقتی انسان از طریق معرفت نفس وارد علم حضوری شد و قلبش در صحنه معرفتش حاضر گشت، تازه با زبان آیات و روایات که ظهور حقایق قلب پیامبر خدا «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم» و ائمه معصومین «علیهم‌السلام» است احساس آشنایی می‌کند و یک نحوه نزدیکی با کلمات این ذوات قدسی در خود احساس می‌نماید. همچنان که حضرت علی «علیه‌السلام» در روایت فوق فرمودند: وقتی کسی خودش را نشناسد، چگونه چیز دیگری را خواهد شناخت.

در واقع نه قرآن را می‌تواند بشناسد و نه امامان معصوم علیهم‌السلام را و نه سخنان آنها را.

۸- معرفت نفس علمی است که با «نظر کردن» به معلوم حضوری و وجودی، برای انسان حاصل می‌شود و نه با «فکر کردن» در باره معلوم حصولی. و فرق زیادی است بین «نگاه کردن» به حقیقت چیزی و بین «خبردار شدن» از آن حقیقت. همچنان‌که فرق زیادی است بین دیدن کثرت‌ها در آئینه وحدت، و بین سرگردانی در مجموعه کثرت‌ها، بدون جمع دیدن آنها در یک وحدت حقیقی معنوی، و در نتیجه دور ماندن از ارتباط با حقیقت این کثرات.

۹- توحید در سه ساحت هستی عبارت است از:

الف: «توحید عالم ماده» که در این منظر روشن می‌شود تمام حرکات عالم ماده، ریشه در آن ذات متحول عالم ماده دارد و بحث حرکت جوهری از آن جوهر حرکت‌مند خیر می‌دهد.

ب: «توحید انسان» که روشن می‌کند همه قوا و حرکات انسان ریشه در نفس جامع و مجرد او دارد و بحث معرفت نفس حکایتگر آن است.

ج: «توحید عالم هستی» که روشن می‌کند وجود و تدبیر عالم و آدم در گرو ذات احدی است. ولی تا انسان معنی توحید حضوری و وجودی را با نظر به نفس مجرد خود نشناسد نمی‌داند چگونه باید به دنبال توحید عالم هستی بگردد و لذا اصلاً نمی‌تواند خدا را ببیند، و معنی دیدن خدا را هم نمی‌فهمد و

در نتیجه نمی‌تواند عالم کبیر را به تماشا بنشینند و خود را در عالم، در آغوش خدا بیابد، بلکه با هزار تأسف ممکن است با دانایی به خدای مفهومی، هرچه بیشتر جذب کثرت بی‌پایان عالم ماده/بشود و از خدانشناسی خود هیچ بهره‌ای نبرد.

۱۰- بحث «ده نکته از معرفت نفس» ان شاء الله مدخل خوبی جهت امر فوق خواهد بود. پیشنهاد می‌شود که پس از آن برای تدبّر بیشتر به کتاب «آشتی با خدا از طریق آشتی با خود راستین» رجوع کنید و هم‌چنین از طریق بحث «انسان در اسلام» با دقت بیشتر در این مسیر می‌توان گام زد. و در نهایت اگر خواستید در این راه به عمق لازم دست یابید و معرفت نفس را وسیله کشف معارف عمیق دینی قرار دهید، به کتاب «معرفت‌النفس و الحشر» که ترجمه جلد ۸ و ۹ اسفار اربعه ملاصدرا «رحمته‌علیه» است رجوع فرمایید، البته لازم است کتاب اخیر را همراه با شرح آن مطالعه فرمایید.

«والسلام»